

ضرورت‌های کنونی جامعه ما به فقه سیاسی

سید علیرضا حسینی نسب - کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

چکیده:

حکومت اسلامی نیازمند قوانین و مقرراتی است که بتواند جامعه اسلامی را طبق احکام شرع و مصوبات دولت اداره کند. از آنجائی که اکثر قوانین بصورت مدون در جامعه لازم است باید فقها و مجتهدین و صاحب نظران عرصه دین احکام حکومتی را وضع کنند که نه تنها متعرض حکم اسلامی نشده بلکه باید قوانین موضوعه مجالس را مطابق شرع مقدس تأیید نمایند در این زمینه فقه سیاسی یا فقه حکومتی با سابقه به قدمت خود اسلام جایگاه رفیع دارد و می تواند در تمام شئون جامعه وارد شود و بنابر ضرورت قواعد فقهی را در اختیار مردم قرار دهد تا روابط میان دولت مردم و امور اجتماعی و فرهنگی و معاملات و عقود جهاد و تبلیغ و امور درمانی و زیست محیطی و استفاده از فناوری های نوین و رسانه های ارتباطی جمعی مطابق شرع و دین برای کاربری آسان در دسترس همگان قرار دهد. فقها و دانشمندان شیعه با وجود آنکه نتوانستند در طول سال های متمادی خفقان و جور حکام نظریات فقه سیاسی خود را رواج دهند و مجالی برای به نمایش گذاشتن نظریه های ناب حکومتی شیعی که از طریق معصومین دریافت کرده بودند پیدا نکردند در قرن بیستم توانستند عملاً حکومت سیاسی بدست گیرند و الگوی برای نهضت های رهایی بخش و بیداری اسلامی ارائه دهند و سیستم اداره حکومت سیاسی و اسلامی را با استفاده از باز بودن باب اجتهاد به نمایش بگذارند که در سطور زیر به شرح بیشتر آن می پردازیم.

کلید واژه:

حکومت اسلامی - فقه سیاسی - امامت - ولایت فقیه.

مقدمه:

حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در تبیین جایگاه فقه حکومتی می فرمایند: اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده اند. سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می گیرد این معنا را (اگر کسی بگوید که اسلام به زندگی چه کار دارد این جنگ با اسلام است. این نشناختن اسلام است 1).

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای که از داعیه داران حوزه فقه حکومتی هستند بر مراتب ضرورت فقه سیاسی این گونه تأکید کرده اند. (فقیه ما از طهارت تا دیات باید ناظر به اداره یک کشور. اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحما فکرمی کنید باید توجه داشته باشید که این در یک جا از اداره زندگی این جامعه تأثیری خواهد داشت تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصیه و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه اینها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط کنیم. این دراستنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد) 2.

تعریف فقه سیاسی و جایگاه آن:

فقه به معنای علم و معرفت و در اصطلاح قرآن مترادف با معنای بصائر آمده یعنی آگاهی عمیق و توأم با استدلال. فقه در اصطلاح فقهی و آکادمیک آن به معنای علم استنباط و استخراج احکام الهی از ادله معتبر به شیوه ای که در علم اصول فقه کاربرد دارد است. در فقهات همین معنا را می دهد یعنی شخص فقیه باید بتواند احکام الهی و شرعی را با ادله معتبر استخراج کند. 3

به مباحثی چون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احوال شخصیه شرعی - امامت و خلافت نصب و عزل امراء و قضاوت و مأمورین جمع آوری وجوهات شرعی و مؤلفه قلوبهم و تبلیغ و دعوت به اسلام، جمعه و جماعات و خطبه و مراسم عید و صلح و قراردادها تولی و تبری همکاری با حاکمان و... به نوعی با حکومت و خلافت سرو کار دارند و به آنها فقه سیاسی یا احکام السلطانیه یا فقه حکومتی گویند 4.

پیشینه فقه سیاسی:

فقه اسلامی بیانگر همه احکام مربوط به افعال مکلفین است و برای جهت بخشیدن به همه امور دنیوی و اخروی زندگی بشری باشد و آنگاه که به عرصه امور سیاسی و اجتماعی وارد می شود پاسخگوی مسایل حکومت و نظام اسلامی است و اهمیت فراوانی می یابد زیرا مصالح اجتماعی و مصالح نظام اسلامی در برابر مصالح و منافع شخصی اهمیت می یابد و از این جاست که حکم حکومتی یا به عبارت دیگر از فقه حکومتی سخن به میان آمده و مصدر انشاء و مشروعیت آن دولت و حکومت می باشد.

زراره از امام باقر (ع) روایت کرده: بنی الاسلام علی خمسة اشیاء علی الصلاه والزکاه والحج والصوم والولایه. قال زراره فقلت و ای شیء من ذالک افضل؟ فقال الولایه لانها مفتاحهن. این حدیث دلیل محکمی است که ولایت امر - امری حیاتی برای مسلمین است البته آنچه مسلم است منظور از ولایت، ولایتی است که از طرف خدا و رسولش معرفی شده باشد یا در زمان غیبت جانشین آنها باشد فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا 5.

تکوین فقه سیاسی: پیامبر گرامی اسلام ضمن تأسیس اولین حکومت اسلامی قواعد کلی فقه سیاسی را نیز تبیین نمود آن حضرت اجرای احکام - حفظ حدود و گسترش اسلام را در پر توحکومت اسلامی به انجام رساند، بعد از پیامبر تا کنون دو مکتب فقهی عمده اسلام یعنی اهل سنت و تشیع به مدرن کردن و ترویج فقه سیاسی پرداخته اند.

منابع فقه سیاسی :

فقه سیاسی در واقع استنباط حاکم فقهی از منابع آن می باشد و باید با مستندبه دلیل باشد که ممکن است مدرک برای مجتهد آیات و روایات و یا عقل و اجماع باشد (قرآن و سنت و عقل و اجماع) در غیر شیعه منابعی علاوه بر موارد مذکور قیاس و استحسان و مسائل مرسله و سند ذرایع - عرف و عادت هم باشد. سنت هم از گفتار و رفتار و تقریر معصوم است. فقه سیاسی در مکتب اهل سنت مراحل زیر را طی کرده است :

1. عصر پیامبر که وحی به طور اجمال نازل می شد و با گفتار و عمل و تقریر آن حضرت تبیین می شد.
2. عصر صحابه بعد از پیامبر که در زمان مشکلات و نبود نص به اجتهاد عمل می کردند.
3. عصر تکوین مذاهب فقهی (دوره امویان و عباسیان) که در این زمان فقه سیاسی اهل سنت به دنبال توجیه اقدامات خلفا و تئوری پردازی برای حکومت آن ها بوده در حقیقت متأخر از عمل حاکمان بوده. با این حال کمی تفاوت در نظریات شیعه نسبت به اهل سنت وجود دارد.

فقه سیاسی شیعه را می توان به دودوره کلی تقسیم کرد :

اول در زمان حضور معصومین. دوم دوران غیبت :

دوران حضور از صدر اسلام در زمان پیامبر شروع و تا عصر زمان حضرت مهدی ادامه دارد در این دوران هم زمان امام باقر و امام صادق فقه سیاسی شیعه به دلیل مقتضیات زمانه رشد چشمگیری داشته ولی بعد از آنها به دلیل اختناق کم رنگ تر بوده در زمان غیبت صغری هم فقه سیاسی از طریق نواب چهارگانه در حصار و تنگنای شدید به صورت زیرزمینی فعالیت می کرد. بعد از غیبت هم عصر اجتهاد قرار دارد که نهضت جدید فقه اسلامی و باز شدن باب اجتهاد فقه در پاسخ به مسائل سیاسی و اجتماعی به وجود آمد که تاکنون ادامه دارد فقهای شیعه با تأسیس فقه حکومتی مسائلی چون جواز سلطان - همکاری با حکام ظالم - مسائل مالی دولت جور - مشروعیت حکومت خلفا - خدمت در برابر وجوه شرعی - تجارت و بازرگانی و شرکت در نمازهای جمعه وعید را مورد بررسی قرار داده و به استنباط احکام شرعی آن ها پرداختند.

ادوار فقه سیاسی شیعه را می توان به چهار دوره خلاصه کرد که تحولات فقه سیاسی در آن ها صورت گرفته :

1- دوره اول از شیخ صدوق (381ق) تا ابن ادریس (دوره قدما)

شیخ مفید (413م) و شیخ طوسی (460ق) در دوران اختناق مذهبی روزگار می گذراند خلاصه عقاید آن ها عبارتند از امام منصوب از طرف خدا و رسول است. در زمان عدم حکومت اسلامی هر کسی باید وظیفه شرعی را خودش انجام دهد و دستورات سلطان جائز غیر قابل پذیرش است مگر برای حفظ جان سلطان الوقت یا زمان و فرضیه امر به معروف و نهی از منکر و اذن سلطان الوقت - اجرای احکام و حدود.

2- دوره دوم : قانون مند شدن فقه سیاسی در چهارچوب فقه اجتهادی

این دوره که متأخر شهرت دارد علمای بنامی چون محقق حلی (620-676 هـ - ق) و کاشف الغطاء (1227م) و عصر میرزای قمی (1230م) است.

فقه سیاسی علامه حلی (679م) که در کتاب شرایع الاسلام یکی از بهترین نمونه ها برای ترویج و توضیح فقه سیاسی است. او حاکم عادل را به جای دولت معصومین به کار می برد و شرایط و وجوب نماز و عیدین را جاری می کند قضاوت را امری حکومتی می داند - همکاری با حاکمان جور را منع می کند - قاضی باید به وظایفش عمل کند نه به دستور حکومت.

اولین بار نظریه ولایت فقیه را محقق کرکی مطرح کرد و صدور افتاء و قضاوت را از ادله فقیه نسبت به تشکیل امر حکومت می داند. او معتقد است که ولایت فقیه باید انتصابی باشد نه انتخابی. چون در فقه شیعه فقیه از طرف امام معصوم برای حکومت منصوب است و نیازی به انتخاب مکلفین ندارد. در حدیث عمر بن خطاب: فانی قد جعلته علیکم حاکما.

از نظر او ولایت فقیه دراموری عمومی و کلیه شئون قابل نیابت است ولی خصایص ائمه از قبیل عصمت و ولایت تکوینی از نیابت خارج اند. فقیه باید سایر شرایط مانند اجتهاد و عدالت را کسب کند و مردم باید مسئولیت مردم هم دریاری رساندن به ولایت فقیه و اطاعت نمودن در کلیه امور است.

3- دوره سوم تحول استقلالی در فقه سیاسی

در این دوره هم ولایت فقیه مورد بحث بوده و فقه سیاسی در کتاب عوائد الایام (مهدی نراقی متوفای 1245ق) مورد بحث بوده و با ادله اربعه آن را اثبات کرده. در کتاب جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی هم متوفای 1266ق) در ابواب مختلف فقه درباره فقه سیاسی بحثهای مبسوط شده و خواهان فراهم نمودن مقدمات برای ولایت فقیه است تا امور قضایی و سیاسی و حکومتی طبق قواعد شرعی اجرا شود.

4- دوره چهارم احیاء و عملیاتی کردن فقه سیاسی

در این دوره فقه سیاسی با آراء نائینی و تألیف کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملل به عنوان کرسی نظریه پردازی در فقه سیاسی تلقی شده و شروع جدیدی در فقه سیاسی بوده به طوری که سه نفر دیگر از مراجع تقلید زمان ملا محمد کاظم معروف به آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی و حاج میرزا حسین تهرانی در تأکید فرمایشات نائینی بر کتاب مذکور تقریر نوشتند. نائینی با مکاتب سیاسی و رجال سیاسی زمان به خوبی آشنا بود و به کتاب های دوره اول مشروطیت آگاهی داشت. تهاجم و سلطه جویی غرب رادری کرده بود کتاب تنبیه الامه را در سال 1327 هجری نوشت.

او در کتابش از تهاجم و مداخله اجانب و حفظ وطن از شر آنها بر حذر می دارد و علاوه بر آیات و روایات و قوانین شرعی بر قوانین امضایی و موضوعه و تأسیسی و عرف بحث می کند.

در دوره چهارم فقیه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان عملی کننده و کاربردی کننده فقه سیاسی ظهور می کند و ندای مبارزه با طاغوت را سر

می دهد. کتاب حکومت اسلامی را می نویسد و از ضرورت حکومت الهی سخن می گوید ایشان می فرمایند: از آنجا که حدود و قوانین شرعی باید توسط حاکمان اجراء شود والی و حاکم باید از دو شرط برخوردار باشد:

1- اطلاع از قانون الهی 2- عدالت در اجرای آن 7.

بنابراین نظر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت برعهده فقیه عادل به صورت واجب کفایی و الزام خواهد بود. ایشان فقه سیاسی اسلام را عملاً به دنیا نشان داد و موازنه سیاسی و نظم استبدادی مسلط را برهم زدند و تر تشکیل حکومت اسلامی با مبنای فقه سیاسی شیعه به جهانیان و مسلمانان نمایان ساختند.

ضرورت فقه سیاسی و نیاز جامعه به حکومت:

هدف زندگی انسانها به صورت اجتماعی تأمین نیازهای مادی و معنوی یکدیگر است و هر جامعه نیازمند به متصدی است که بتواند امور و شئون و حوادث و پیشامدها و خطرات احتمالی را تدبیر کند. اگرچه ممکن است بعضی از مردم بتواند امور اجتماعی خود را تدبیر کند ولی اکثر جوامع نمی تواند این امر را انجام دهد. یا اصلاً صلاحیت این کار را ندارند و بعضی هم ممکن است حقوقشان ضایع شود. در مقابل بلای طبیعی مانند زلزله و سیل، که عده بسیاری از مردم آسیب می بیند چه کسی می تواند هماهنگی و یاری رساند. وقتی خدمات عمومی مانند آب و برق و تلفن و راهها و معابر و درمانگاه و بیمارستان از بین می رود آیا کسی می تواند کمک کند و آیا اصولاً از عهده فرد یا گروه خاصی بر می آید. در این مباحث که از لزوم حکومت صحبت به میان می آید و برای جاری کردن قانون و مقررات و قدرت اجرای احکام و جلوگیری از هرج و مرج و کمک رساندن به آسیب دیدگان و حفظ نظم و امنیت در جوامع از تشکیل حکومتی حمایت و مشارکت می کنند. قاعده فقهی مانند سایر احکام باید مستند به منابع شرعی باشد و فقیه باید گستره قواعد آن را مشخص کند فقیهان باید در عرضه نظریه پردازی فقه سیاسی هم فعال عمل کنند فقه سیاسی با افعال سیاسی مکلف در ارتباط است چون امر سیاسی امر جمعی است. قانونمند کردن حکومت و جامعه و آشنایی مردم و حاکمان با احکام سیاسی اگر صورت گیرد به راحتی مشکلات برطرف شده و حاکمان با بحرانها و خطرات به آسانی برخورد می کنند. آشنایی سریع و آسان مکلف به حکم شرعی فقه سیاسی در امور و رویدادها بسیار مهم است و موجب سهولت کار در موضوعات قواعد اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - قضایی و امنیتی می شود پس لازم است فقیهان سیاستمدار به کشف و تبیین قواعد فقه سیاسی بپردازند و کارگذاران حکومت را با آنها آشنا کنند 8.

از سوی دیگر باید قانون گذار را هم با امور آشنا کرد تا در تصویب قوانین از احکام فقه سیاسی بهره مند شوند و حکم تصویبی را با آن منطبق کنند در واقع به حوزه قانون گذاری جهت شرعی بدهند.

گستره ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می گیرد نه مباحث سیاسی بلکه تمامی ابواب و مسائل فقه خواهد بود. چه آنکه حکومت شئون و زوایای مختلف بسیاری داشته باشد و فقیه می بایست همه آن مسائل را نیز بنابر رفع نیازهای حکومت مورد بررسی قرار دهد مباحثی در حوزه اقتصاد. فرهنگ. حقوق. نظامی. انتظامی. خانواده. احوالات شخصی و... بلکه تمامی فقه گستره فقه را تشکیل خواهد داد.

می توان گفت که اکثر مسائل زندگی بشری می تواند در حوزه فقه سیاسی و حکومتی مطرح می شود از جمله:

1- قاعد نفی سیل 2- تساوی حقوق مردم 3- حقوق حاکمان 4- حقوق بشر و بین الملل

5- آزادی و دموکراسی 6- احزاب و گروهها 7- مطبوعات و رسانه های عمومی

شرایط و امکانات سیاسی زمان به ویژه ظلم و ستم دستگاه استبدادی و ضد شیعی بنی امیه و بنی عباس مانع از رشد و بالنگی فقه سیاسی شد. به دلیل فشارها و ممانعت ها و برخوردهای تنگ نظرانه با آراء و نظریات فقهی متفکران شیعه موجب شد که جامعه اسلامی از انتشار احکام فقه سیاسی و نظریه های حکومتی از منابعی شیعی محروم بماند. این مسائل باعث شد که فقه سیاسی شیعه اعم از اقتصادی و مالی و اداری و اجرایی برخلاف اهل سنت محدود بماند و فقط بر اثر تلاش های مجتهدان و فقها در ضمن ابوابی مانند قضاوت و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر پراکنده شد.

فقه سیاسی مذهب جعفری متصدی اموری است که در درجه اول به اجتماع مسلمین و سپس به حکومت نظر دارد به همین خاطر نظارت کامل بر امور زیر دارد.

1- نظم و امنیت در جامعه.

2- سرپرستی و متصدی اداره امور اطفال بی سرپرست و سفیهان و مساکین.

3- نظارت فقه سیاسی بر تعلیم و تربیت.

4- لزوم دفاع و آمادگی در برابر دشمنان اسلام.

5- رفع اختلافها و حل و فصل منازعات بین مردم و گروهها.

ویژگی های فقه سیاسی:

1. منعطف بودن در برابر پدیده ها. یکی از ویژگی های موضوعات سیاسی تغییرات بسیار سریع و نو بودن است و هر موضوع در لحظه و مکان خاص نیاز به کشف حکم خاص دارد.

2. قواعد فقه سیاسی موضوعه و تصویبی نیست بلکه نیاز به کشف و تفسیر دارد.

3. فقه سیاسی در ارتباط با مردم و حکومت است.

4. تاثیر گذاری فقه سیاسی بر رفتار های سیاسی زندگی اجتماعی.

5. دست اول بودن و کلیدی بودن موضوع آن. قوانین و مقررات متأثر از حوادث واقعه است که باید با شرایط سیاسی و امتزاج آن با احکام

شرعی سنجیده شود مانند تجارت و روابط و قضاوت اهداف فقه سیاسی در جوامع 9.

1. پیشرفت در کشف و تبیین قواعد فقه سیاسی و کاربردی کردن احکام آن (کشف و تبیین).

2. جلوگیری از رکود و سستی حکومت اسلامی در بازیابی حکم شرعی در موضوعات جدید (نوگرایی).

3. دست یابی سریع و آسان مکلف در تمام موضوعات به حکم شرعی (دسترسی).

4. عدالت اسلامی در اجتماع و توزیع عادلانه امکانات عمومی .

5. تأمین امنیت عمومی در همه زمینه .

6. رشد و توسعه اجتماعی در جامعه

7. اجرای حدود و احکام الهی در کنار سایر قوانین موضوعه

موانعی که باعث عدم گسترش و عدم شکوفایی فقه سیاسی شده

مشکلات فقه سیاسی:

1- موانع تاریخی: که در گذشته بر سر راه فقه سیاسی وجود داشته از جمله یهود و تبلیغات ضد اسلامی و حاکمان جور که در جامعه این طور القاء می کردند که اسلام نمی تواند نظام جامع زندگی برای انسان داشته باشد و روش حکومتی ندارد باید توجه کرد که موانع تاریخی هم به موانع خارجی و داخلی تقسیم می گردد.

2- موانع فکری معرفتی: اخباریگری در میان شیعیان و انزوای بحث عدل و غفلت از قاعده عدالت سبب رکود و جمود فقها در امور سیاسی و موانع مدون شدن فقه سیاسی شد .

3- مورد دیگر جدایی رهبران سیاسی مسلمانان از رهبری دینی در اکثر کشورهای اسلامی بوده که تقریباً بعد از پیامبر اسلام (ص) اتفاق افتاد و تازمان حاضر باقی است و جامعه اسلامی از این راه صدمات بسیاری را متحمل شده. 10

4- نظریه های سیاسی مانند لیبرالیسم و مارکسیسم که با تبلیغات ضد آموزه های دینی و رواج سکولاریزم توانستند تفکر جدایی دین از سیاست را القاء کنند.

رواج این افکار باعث شد در مقابل هر اقدام فکری و عملی در جهت شکوفایی و بسط آموزه های اجتماعی اسلام شاهد موضعگیری ها و رویکردهای سلبی باشیم این موضعگیری گاهی در لباس حفاظت از قداسات دین جلوه نموده و گاهی در تقابل سنت که دین هم جزء آن محسوب می شود اعمال می شد .

5- فقدان رشته تخصصی فقه سیاسی و کرسی نظریه پردازی فقه سیاسی :

عدم توجه به علوم دینی باعث شده که نظریه پردازی در این حوزه رویه ضعف باشد و نتواند در عرصه های مختلف جوابگوی سریع و در دسترس باشد . از وظایف حوزه و دانشگاه تربیت فقیهان متخصص و کارآمد فقه سیاسی و فقه حکومتی و حوادث واقعه است. 11

حکومتهایی که به نام اسلام روی کار آمدند در واقع منصوب به مسلمانان است غیر از اینکه در مقاطعی از تاریخ مانند حدود 5 سال خلافت حضرت علی علیه السلام در واقع حکومت اسلامی نبوده به همین خاطر نمی تواند حکومت های بنی امیه و بنی عباس و حکومت های شیعی که در برخی از مقاطع تاریخ حکومت را به دست داشتند به عنوان حکومت ناب اسلامی که برگرفته از سیره نبوی و فقه سیاسی باشد . نبود نقطه اشتراک در مجالس قانون گذاری و در شریعت در حکومت های ظاهراً اسلامی که باید قوانین قانون گذار مبتنی بر فقه سیاسی و قوانین و احکام شرعی باشد باعث شدند که مجالی برای نمایش قدرت فقه سیاسی در جامعه نماند .

نتیجه

در زندگی امروز ناگزیر از فقه سیاسی هستیم زیرا داعیه حکومت اسلامی این است که انطباق قوانین مجالس و موضوعه و مقررات با احکام شرعی هیچ مشکلی ندارد و فقه سیاسی تبیین کننده حکم شرعی و امور و شئون است. قاعده فقهی و فقه سیاسی باید مستند به منابع شرعی باشد و توسط شخص فقیه و مجتهد کشف شود سایر مردم مکلف به استخراج حکم فقه سیاسی نیستند .

انقلاب اسلامی ایران الگوی بیداری مسلمانان منطقه در عصر حاضر است و فقه سیاسی شیعه در مراحل رشد و بالندگی و در راه کاربردی شدن و خط دهی و جریاندی به نهضت ها و ملت های به پا خاسته علیه حکومت های جور و حاکمان مستبد است ، باید نظریه پردازان و پژوهشگران عرصه دین و سیاست مجدانه در صدد درک و کشف و عمل در زمینه فقه سیاسی باشند و به فقه سیاسی با نگاه حداکثری الگوی حکومت های اسلامی منطقه و کشور های مسلمان ارتقاء یابد و در لایه های گوناگون سیاست و حکومت به کار برده شود.

هدف اصلی تبیین قواعد سیاسی پیشرفت دانش فقه سیاسی جلوگیری از رکود حکومت اسلامی در بازایی حکم شرعی موضوعات جدید است . شیعه اساساً سیاست را از امور سرنوشت ساز و موجودیت انسان و اجتماعات بشری می داند حاکمیت مطلق را با خداوند می داند و بیشتر هم به عنوان خلیفه الله در روی زمین حکومت را سرپرستی می کند آنگاه ولایتی مشروعیت دارد که از متن دین برخاسته باشد .

مرجعیت شیعه در فقه سیاسی اندیشه های اسلام را در این مورد بیان کردند . امام خمینی (ره) هم عملاً در قرن بیستم نظریه ولایت فقه را پیاده کردند نظریه ولایت فقیه به عنوان خالص ترین تز و مستندترین نظریه حکومتی شیعه هنوز در مرحله ابتدایی عمل و اجراء قرار دارد و تأمل و اندیشه صاحب نظران را می طلبد تا بتواند در مقابل حوادث واقعه و مکاتب فکری مادی گرا قد علم کند و جوابگوی نظرات فقه سیاسی و حکومت اسلامی باشد .

پی نوشت :

1. صحیفه نور، ج 2، ص 165

2. رهبر معظم حضرت آیت الله خامنه ای ، در س خارج 31/6/1370.

3. سیر تطور فقه سیاسی شیعه ، ص 4-5 .

4. بایسته های فقه سیاسی ، ص 11

5. اصول کافی ، باب دعائم الاسلام حدیث 5.

6. سیر تطور فقه سیاسی شیعه ، ص 14

7. بایسته های فقه سیاسی ، ص 32-16

8. کاربرد فقه در سیاست، www.islamdoc.org.

9. بایسته های فقه سیاسی ، ص 88.

10. کتاب الاجتهاد والتقليد ، ص.12.
11. فصلنامه علوم سیاسی /ش/18 مرداد 81 .

منابع :

1. مصباح یزدی ، محمدتقی (سال 1379ش)، نظام سیاسی اسلام ، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
2. اکبری ، دکتر کمال ، 1378، سیرتطور فقه سیاسی شیعه ، دفتر پژوهش های رادیو .78
3. جعفری هرنندی ، 1379، فقهها وحکومت (پژوهشی در تاریخ فقه سیاسی شیع) ، انتشارات روزنه /تهران.
4. آیت الله جوادی آملی (1381ش) ، دین شناسی ،قم، نشر اسراء.
5. فیرحی ، داوود ، 1385، نظام سیاسی ودولت در اسلام ، انتشارات سمت .
6. آصفی ، محمد مهدی، 1385، مبانی نظری حکومت اسلامی ، تهران،مجمع جهانی تقریب مذاهب .
7. اسلامی ، رضا (1387ش)، اصول فقه حکومتی ، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
8. لمبنون آن کی اس (1380))،، دولت وحکومت در اسلام ، ترجمه سید عباس صالحی ، انتشارات عروج .
9. آیت الله عمید زنجانی ودکتر موسی زاده (1388ش) ، بایسته های فقه سیاسی ،تهران، مجمع علمی وفرهنگی مجد.
10. شریعتی ، روح الله ، 1382، قواعد فقه سیاسی ،تهران،بی جا.
11. سایت www.islamicdoc.org/article-section .آخرین بازنگری 1390
12. فصلنامه علوم سیاسی.مقاله فقه سیاسی اهل سنت ،شماره .49
13. میرخانی،سیداحمد، 1372،کتاب الاجتهاد والتقليد،تهران ، انتشارات اسلامی .